

## مبانی اصل علنی بودن دادرسی ها به مثابه یکی از جلوه های حقوق شهروندی

علی حاجی پور کندورد (دکتری حقوق عمومی و عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه)

### چکیده

مطالعه و بررسی مبانی هر اصل حقوقی موجب شناخت عمیق آن اصل و همچنین هویدا شدن ارزشهای واقعی آن در یک نظام حقوقی خواهد بود. بر این مبنا نظر به شناسایی اصل علنی بودن دادرسی ها در اصول ۱۶۵ و ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از جلوه ها و مصادیق حقوق شهروندی، در این مقاله مبانی اصل مذکور مورد کنکاش قرار گرفته و در نهایت چنین نتیجه گیری شده است که اهمیت علنی بودن دادرسی ها در تضمین حقوق دفاعی متهم و حمایت از او از یک سو و تامین منافع و مصالح اجتماعی از سوی دیگر از طریق رعایت معیارها و استانداردهای رسیدگی به دعاوی و همچنین حفظ اعتماد و اطمینان عمومی، تقویت پاسخگوئی قضائی و جلوگیری از سوء رفتار قضات و کاهش اشتباهات قضایی و مفساد اداری به عنوان مهمترین مبانی این اصل، توجه بیش از پیش به این اصل را اجتناب ناپذیر می نماید.

**واژگان کلیدی:** حقوق شهروندی، دادرسی عادلانه، اصل علنی بودن دادرسی ها، مبانی.

### ۱- مقدمه

دادرسی عادلانه که یکی از مهمترین ضرورت های جامعه دموکراتیک و محورهای پذیرفته شده جهانی حقوق انسانهاست، مفهومی ترکیبی و قابل تجزیه به اجزاء مختلف است. به این معنی که زمانی می توان از دادرسی عادلانه سخن به میان آورد که معیارها و تضمینات متعددی مورد رعایت نظام دادرسی قرار گیرند. این معیارها و تضمینات که دارای انواع و اقسام متعددی هستند، بسته به نوع دادرسی (کیفری، مدنی، اداری و ...) نیز ممکن است متفاوت باشند.

در این راستا برخی از نویسندگان (Zhanq ۲۰۰۹, ۳۹) موازین حق بر دادرسی عادلانه را به سه دسته تقسیم می کنند: اصول اساسی، تضمینهای حداقلی و سایر مقررات. اصول اساسی شامل حق بر برابری در مقابل دادگاه، حق بر فرض بیگناهی و حق بر دادرسی منصفانه و علنی در یک دادگاه شایسته، مستقل و بی طرف است که به موجب قانون تشکیل شده است. لذا از این دیدگاه اصل علنی بودن دادرسی ها یک موضوع محوری و پایه ای بوده و از مهمترین تضمینات دادرسی عادلانه محسوب می شود.

در نوشته های برخی دیگر از نویسندگان نیز، از عناصر و معیارهای حداقلی و ضروری دادرسی عادلانه سخن به میان آمده است. به این معنی که حق بر دادرسی عادلانه امری است که کلیه تضمینات دادرسی را به هم پیوند می زند و شماری از تضمینات حداقلی را ایجاد می کند که این تضمینات حداقلی در مقایسه با مفهوم کلی دادرسی عادلانه روشن تر و گویاتر می باشند. (۱۰۰ Croquest ۲۰۱۱) در این ارتباط به باور این صاحب نظران (گرچی از ندریانی ۱۳۸۸، ۳۱۸) عادلانه بودن دادرسی، مشروط به حضور عناصر عمومی و حداقلی زیر است:

حق دسترسی به دادگاه، اصل استقلال و بی طرفی مرجع رسیدگی، تضمین حقوق دفاعی، رعایت مهلت منطقی رسیدگی و در نهایت، علنی بودن رسیدگی.

با این تحلیل، روشن است که علنی بودن دادرسی ها یکی از معیارها و مصادیق اساسی، حداقلی، ضروری و لازم دادرسی عادلانه است. به عبارت دیگر، دادرسی زمانی عادلانه خواهد بود که با رعایت مجموع اصول دادرسی عادلانه از جمله اصل علنی بودن دادرسی ها همراه باشد.

در جریان تدوین ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل، نماینده کشور فرانسه با این عبارت کوتاه و رسا که «عدالت نباید محرمانه و در خفا باشد» به وضوح بر این ایده تاکید کرد که علنی بودن محاکمات نقشی اساسی در منصفانه بودن محاکمات ایفا می کند. از همین روست که می بینیم بند یکم ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی همانند بند یکم ماده ششم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، منصفانه و علنی بودن محاکمات را در کنار هم ذکر نموده است.<sup>۱</sup> (سیدفاطمی ۱۳۹۳، ۲۳۸)

بنابراین، حق بر دادرسی علنی یکی از حقوق اساسی دادرسی است که به عنوان یک موضوع بین المللی جهت حمایت از حقوق بشر مطرح شده است. (Treichsel & summers ۲۰۰۶، ۱۸۵) این حق در قلب مفهوم دادرسی عادلانه قرار دارد. زیرا این اصل، عدالت و استقلال دادرسی را موجب شده و شمار زیادی از اصول دادرسی عادلانه در پرتو استقرار این اصل بسیار مهم تضمین می گردند. توضیح اینکه یکی از مهمترین تضمینات نظام مردمی، شفافیت عملکرد دولت و امکان تحقق نظارت مردم بر امور عمومی است. بر این اساس به منظور صدور آراء قانونی و شفاف و احقاق حقوق شهروندان، نظام دادرسی باید به صورت علنی و تحت نظارت مردم و حاکمیت ملت برگزار شود. ماهیت علنی دادرسی به تضمین محاکمه عادلانه، از طریق حمایت از طرفین دعوی علیه تصمیمات خودسرانه کمک می کند و جامعه را قادر می سازد تا اجرای عدالت را کنترل نماید. لذا دادرسی علنی مفهومی هسته ای و حیاتی است که برای تحقق دادرسی عادلانه ترتیب داده شده است. (White ۱۹۹۹، ۳۶)

نتیجه این که با توجه به وجود منافع فردی (برای طرفین دعوا) و عمومی مترتب بر آگاهی عموم از امر دادرسی و این امر که رسیدگی علنی خود می تواند نشانگر اعمال عدالت، رعایت انصاف و به طور عام، رعایت مجموعه تضمینات مربوط به حق بر دادرسی منصفانه به طور خاص باشد، شاید بتوان تضمین علنی بودن دادرسی را یکی از عناصر بنیادین عدالت و دادگستری و حق بر دادرسی منصفانه به شمار آورد. (یاوری ۱۳۸۳، ۲۸۳)

در این میان، بی تردید این ارزش والا و قابل توجه به دلیل فواید و آثار متعددی است که برگزاری علنی دادرسی ها به بار خواهد آورد. آثار و فواید مهمی که هر کدام از آنها در جهت تحقق یک نظام دادگستری مطلوب و شایسته لازم و ضروری به نظر می رسد. بر این اساس و نظر به اینکه اصل علنی بودن دادرسی ها در اصول ۱۶۵<sup>۲</sup> و ۱۶۸<sup>۳</sup> قانون اساسی ایران مورد توجه قرار

<sup>۱</sup> - «...everyone shall be entitled to fair and public hearing».

<sup>۲</sup> - «محاکمات علنی انجام می شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد».

گرفته است، در بحث بعدی مبانی و آثار دادرسی علنی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا با شناخت مبانی و کارکردهای مهم این اصل، اهتمام ویژه‌ای به این اصل مهم شده و بخشی از مشکلات نظام قضایی کشور کاهش یابد.

## ۲- مبانی اصل علنی بودن دادرسی ها

مطالعه و بررسی مبانی هر اصل حقوقی موجب شناخت عمیق آن اصل و همچنین هویدا شدن ارزشهای واقعی آن در یک نظام حقوقی می‌شود. منظور از طرح بحث مبانی علنی بودن دادرسی در واقع جستجوی پاسخ این سوال است که به طور اساسی چرا باید جلسه های دادرسی علنی باشد؛ یعنی بحث از چرایی علنی بودن دادرسی است. بین حقوقدانان و علما در خصوص مبانی پذیرش «علنی بودن دادرسی ها» به عنوان یک اصل بنیادین حقوقی، دو رویکرد کلان فکری وجود دارد؛ برخی علنی بودن را «حق متهم» می‌دانند و عدم رعایت آن را موجب خروج رسیدگی های کیفری از چارچوب دادرسی منصفانه تلقی می‌کنند و برخی دیگر آن را در قالب مفهوم «مصلحت جامعه» مورد توجه قرار می‌دهند. بدون تردید پذیرش هر کدام از این نظریه ها (حق متهم یا مصلحت جامعه) می‌تواند آثار متفاوتی در چگونگی پذیرش مفهوم علنی بودن دادرسی در نظام تقنینی و قضایی یک جامعه داشته باشد. (امیدی و نیکوئی ۱۳۸۷، ۳۰-۲۹)

بدین ترتیب می‌توان گفت که علنی بودن دادرسی ها از فلسفه ای دوگانه برخوردار بوده و یک تضمین اساسی برای حمایت از منافع فرد و جامعه است. به این معنی که همانگونه که برخی از نویسندگان نیز تصریح کرده اند در علنی بودن دادرسی ها دو مصلحت نهفته است: اول حمایت از متهم در برابر محاکمات سری و دوم جلب اعتماد عمومی برای اجرای عدالت. (Bassiouni ۲۰۰۳، ۹) بر این اساس طی مباحث آتی به بررسی مبانی اصل دادرسی علنی پرداخته می‌شود.

## ۲-۱ مبانی فردی

به اعتقاد بسیاری از حقوقدانان، دادرسی علنی از تضمینهای مهم حقوق دفاعی متهم است. از این دیدگاه می‌توان گفت معیارهای مطرح شده در اسناد حقوق بشر از جمله علنی بودن دادرسی قبل از هر چیز به عنوان حقی از حقوق متهم و ابزاری برای مهار تعدیات محاکم منسوب به دولت به حقوق شهروندان پیش بینی شده است. (امیدی و نیکوئی ۱۳۸۷، ۳۰)

«آن قسمت از قواعد حقوق بشر و حداقل های لازم الرعایه که در طول دادرسی کیفری باید مورد توجه قرار گیرد، در ادبیات جدید حقوق کیفری تحت عنوان حقوق دفاعی متهم نام گرفته است» (رهامی و حیدری ۱۳۸۲، ۲۲) به دیگر سخن، حقوق دفاعی متهم به معنای بهره مندی متهم از برخی امتیازها، حمایت ها و تضمین ها در جریان دادرسی است که در این راستا علنی بودن دادرسی ها را بایستی در زمره یکی از مهمترین حداقل های لازم الرعایه در دادرسی جهت تضمین حقوق دفاعی دانست.

اصل علنی بودن محاکمات که ناظر به حمایت از حقوق اصحاب دعوا و نیز کلیه افراد جامعه است در عقل سلیم و فطرت انسان ریشه دارد و اثر آن در تمامی شیوه های رسیدگی عاقلانه بشری دیده می‌شود. (هاشمی باجگانی ۱۳۷۸، ۹۱)

به علاوه، در راستای حمایت از متهم، اهمیت این اصل بدان جهت است که دادگاهها هرچند که رسالت احقاق حق و رفع ظلم را دارند اما متأسفانه تجربه نشان داده است که در پاره ای از موارد و خصوصاً زمانی که استقلال لازم را نداشته باشند، از طریق

<sup>۳</sup> - «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیات منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند».

محاكمات غیرعلنی، مبادرت به صدور احکام ظالمانه نموده اند. همچنین تجربه نشان داده است که دولت‌ها عناصر مخالف حکومت را که محل کار خود می‌بینند، به هر طریق ممکن به پای میز محاکمه می‌کشاند و چه بسا ممکن است نتیجه محاکمات به نفع مخالفان و به ضرر دولت باشد که در این صورت سری بودن جلسه محاکمه، مانع افشای نامطلوبی جریانات قضایی می‌گردد و در نتیجه انحراف از عدالت قویاً محتمل خواهد بود. (هاشمی ۱۳۸۰، ۴۱۰-۴۰۹) در این گونه دادرسی‌ها، آزادی دفاع محدود است و مطالبی که متهم در برائت خود ابراز می‌دارد مکتوم می‌ماند و قضات بدون دغدغه از شماتت و اعتراض عمومی، به صدور حکم مبادرت می‌ورزند. (صفا ۱۳۹۰، ۱۲۱) به همین جهت، مردم طبیعتاً و به طور قابل درکی نسبت به آنچه پشت درهای بسته اتفاق می‌افتد مشکوک هستند. لذا وقتی که سیستم به صورت محرمانه عمل می‌کند، به صورت بالقوه در معرض بی‌اعتمادی قرار می‌گیرد. (Carey ۱۹۸۴، ۳۲۴)

در این راستا، در جوامع آزاد، نظارت و کنترل کل دستگاه حکومت از جمله محاکم با مردم است. جریان دعاوی عمده از طریق مطبوعات به اطلاع مردم می‌رسد و موجب می‌شود که دادرسان از اعمال اغراض خصوصی و تضییع حقوق متهم و تجاوز به آزادی او خودداری کنند.

لذا نظارت بر دادگاه بخش مهمی از تلاش‌های بین‌المللی در جهت حمایت از حقوق بشر می‌باشد. حق نظارت بر دادگاه نیز از حق برخورداری از دادگاه علنی نشأت می‌گیرد. این حق برای کمک به تضمین دادرسی عادلانه و حمایت متهم در برابر سوء استفاده در مراحل کیفری در نظر گرفته شده است. همچنین یک منفعت عمومی که فراتر از حقوق متهم است در دادگاه علنی وجود دارد. عموم مردم حق دارند بدانند چگونه عدالت اجرا می‌شود و چه تصمیماتی توسط نظام قضایی اتخاذ می‌شود. این اصل یک تضمین اساسی برای استقلال روند قضایی و ابزاری حمایتی برای اعتماد عمومی در نظام قضایی است. (طه و اشرافی ۱۳۸۶، ۱۶-۱۵) بدین ترتیب با وجود نظارت تیزبین افکار عمومی بر جریان محاکمه، امکان نفوذ بر فرایند محاکمه و اتخاذ تصمیمات نامناسب به حداقل می‌رسد. نادیده گرفتن حقوق دفاعی متهم، آن هم در دیدگاه افکار عمومی، موجب واکنش مردم شده، مطالبات آنها در اجرای عدالت به نفع صحیح، به طور غیرمستقیم دستگاه قضایی را به مسیر اجرای عدالت واقعی هدایت می‌کند. (جانی پور ۱۳۹۳، ۸۴) همچنین علنی بودن دادرسی از این جهت حائز اهمیت است که منصفانه بودن دادرسی و استقلال و بی‌طرفی قاضی را تضمین می‌کند.

اما در رابطه با آثار این حق نیز گفتگوها فراوان است. بدین ترتیب که اگر علنی بودن دادرسی‌ها به طور مطلق حق متهم دانسته شود، پس او باید بتواند این حق را از خود سلب کند. در عمل نیز بیشتر افرادی که با اتهام‌های کیفری روبه‌رو می‌شوند، ترجیح می‌دهند برای پیشگیری از بدنامی، استرس و فشار روانی ناشی از توجه اذهان عمومی، رسیدگی به اتهام آنها به طور محرمانه انجام گیرد. (امیدی و نیکوئی ۱۳۸۷، ۳۱)

در پاسخ باید خاطر نشان نمود که علنی بودن دادرسی حق متهم است ولی وی از حق اسقاط چنین حقی برخوردار نیست. دلیلی که برای غیر قابل اسقاط بودن حق متهم می‌توان بیان کرد، این است که دولت می‌خواهد از یکسو با علنی بودن دادرسی، سلامت آن را به نوعی تضمین کند و از سوی دیگر تمایل ندارد با تن دادن به سری بودن محاکمه، دستگاه اجرای عدالت کیفری منسوب به خود را در معرض اتهام، سوال و یا ابهام قرار دهد؛ به عبارت دیگر به سلامت و شفاف بودن محاکمه متضمن حفظ حقوق متهم بیشتر از تقاضای متهم برای غیر علنی بودن آن اهتمام نشان می‌دهد. همچنین، عدم امکان اسقاط این حق از سوی متهم، به این سبب است که حق دادرسی علنی برای او علاوه بر حق، تکلیف نیز می‌باشد؛ زیرا وی در برابر جامعه تکلیف در عدم انجام جرم دارد و وقتی که مرتکب جرمی می‌شود، این حق برای مردم ایجاد می‌شود که بر نحوه محاکمه وی نظارت داشته باشند. از سوی دیگر حکومت می‌خواهد با برگزاری علنی محاکمه، سلامت دستگاه قضایی منسوب به خود را تضمین می‌کند. به علاوه، اگر این اصل متکی بر حق مطلق متهم دانسته شود، چگونه می‌توان اعطای این حق را به رسانه‌ها و مردم برای حضور در دادگاه توجیه کرد؟ لذا باید گفت قانونگذار به رغم میل و تقاضای متهم می‌خواهد با دخالت افکار عمومی، منصفانه بودن عملکرد دستگاه

اجرای عدالت کیفری را به نمایش بگذارد. تاثیر این نمایش و منافع حاصل از آن مقدم بر تقاضای متهم است. (امیدی و نیکوئی ۱۳۸۷، ۳۳-۳۲)

## ۲-۲- مبانی اجتماعی

اصل علنی بودن دادرسی ها، علاوه بر تضمین حق متهم، مصلحت جامعه را هم تامین می کند. وقوع هر جرمی به نظم و امنیت جامعه لطمه می زند. پس برای التیام زخم وارد بر وجدان عمومی لازم است که محاکمه بر هم زنده نظم جامعه در برابر دیدگان شهروندان برگزار شود. در حقیقت حضور مردم در جلسه های دادرسی این امکان را برای آنها فراهم می سازد که بر نحوه اجرای صحیح عدالت نظارت داشته باشند. (امیدی و نیکوئی ۱۳۸۷، ۳۵) در این راستا، علنی بودن دادرسی باعث ایجاد شفافیت و تقویت اعتماد عمومی مردم به دستگاه قضایی می شود. این اصل به دلیل این که اجرای عدالت کیفری را از منظر عموم عینی تر و ملموس تر می نماید، باعث می شود که اعتماد مردم نسبت به سیستم عدالت کیفری حفظ شود. بنابراین اصل علنی بودن دادگاهها، اعتماد عمومی به اجرای عدالت را موجب می شود. اعتمادی که برای حاکمیت قانون، امری اساسی محسوب می شود. (Mclachlin ۲۰۱۴، ۳) زیرا نظارت عمومی بر دادگاهها یک ابزار اساسی است که به موجب آن می توان مطمئن شد که قضات با عنایت به قانون، عادلانه عمل می کنند که این امر اعتماد عمومی به دادگاهها و قانون را تضمین می کند. (Nevberger ۲۰۱۲، ۱۴) بدین ترتیب، رسیدگی علنی از طریق شفاف سازی، در جهت تحقق «به زمامداری» در دستگاه قضایی حرکت می کند. (رحمتی فرد ۱۳۹۰، ۱۶۲) به همین جهت است که علنی بودن دادرسی ها نیازی به درخواست طرفین دعوا ندارد و یک قاعده محسوب می شود.

بی توجهی به افکار عمومی و برگزاری مخفیانه و غیرعلنی محاکمات، تردید در صحت عملکرد دستگاه قضایی را تقویت خواهد کرد. مشهور است که «عدالت نباید فقط اجرا شود، بلکه علاوه بر آن، اجرای عدالت باید رویت شود» (شاملو و محمدی ۱۳۹۰، ۱۰۵) لذا رعایت این اصل تاثیر به سزایی در شفافیت جلسات جدال طرفین مخاصمه دارد و قاضی را از گزند تهمت های ناروا دور نگاه می دارد. (شاهچراغ ۱۳۸۹، ۱۸) در چنین شرایطی، شهود مطلعین، کارشناسان و سایر اشخاص که در پرونده دخالت دارند نیز خود را در کانون توجه عموم یافته، از بیان اظهارات ناصواب پرهیز می نمایند. (خالقی ۱۳۸۳، ۳۹)

نباید فراموش نمود که تصورات عمومی از نظام قضایی تا حد زیادی از تجربه شخصی مراجعه کنندگان به دادگاهها ناشی می شود. بنابراین دادگاهها و آیین دادرسی آن، برای اینکه وجهه و کارآمدی دستگاه قضایی را بهبود بخشند باید قابل دسترس تر، بازتر، شفاف تر و مشتری مدارتر باشند. شفافیت دادگاهها پیش شرط افزایش مقبولیت کار آنها در میان مردم است. شفافیت آیین دادرسی دادگاهها نیز پیش شرط دسترسی به عدالت است. بنابراین شفافیت دادگاه به این معناست که نظام دادگاهها قابل دسترسی و قابل فهم است و بروی کسانی که در مشاغل حقوقی به نیابت از شهروندان مشغول به کار هستند و عموم مردم باز است (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل ۱۳۹۳، ۱۷۲-۱۶۸) و روشن است که این مهم نیز در گرو برگزاری علنی دادرسی ها مقدور خواهد بود.

بنابر این علنی بودن می تواند به عنوان یک پیش نیاز مهمی تلقی شود که دادگاه برای تضمین دستیابی به مشروعیت قضائی به آن نیاز دارد. در واقع، قوه قضائیه علنی و شفاف، می تواند به تقویت مسئولیت پذیری (پاسخگویی) و مشروعیت آن نیز منجر شود. (Boqdandy and venzke ۲۰۱۲، ۲۲)

در این رابطه به باور برخی از حقوقدانان (Warren ۲۰۱۳، ۴۵) ارتباط روشنی مابین دادرسی علنی و مشروعیت قوه قضائیه به عنوان یک نهاد دموکراتیک وجود دارد.

بدین ترتیب، اگر قوه قضائیه را بخشی از قدرت تلقی نمائیم، علنی بودن ابتدائاً و پیش از همه چیز در صدد تضمین فرایند کنترل اجتماعی است. (Navratil ۲۰۰۹، ۸)

پیشگیری از فساد قضایی یکی دیگر از مهمترین مبانی علنی بودن دادرسی هاست. یکی از نویسندگان در این خصوص معتقد است: «سیستم دادرسی باید علنی باشد تا نشان بدهد که خود فاسد نیست، خوب عمل می کند و همین طور با نقض قوانین و فساد خوب مبارزه می کند. داشتن اختیار با مسئولیت و پاسخگویی ملازمه دارد. اگر بر اعمال اختیارات مختلفی که بر قضات اعطا شده است نظارت و کنترلی صورت نگیرد آنها ممکن است به افرادی خودرای تبدیل شوند. اصل علنی بودن برای جلوگیری از تالی فاسد و نظارت بر عملکرد قضات ضرورت دارد. در واقع علنی بودن دادرسی ها کارآیی قوه قضاییه را بالا می برد و باعث می شود که دادرسان و سایر عوامل قضا اعم از طرفین دعوا، وکلا، شهود و کارشناسان با مشاهده ناظر عینی و بیرونی بر اعمال و گفتار خود، وظایف خویش را با رعایت قوانین و با دقت و احتیاط انجام دهند». (انصاری ۱۳۹۲)

به همین دلیل مذاکرات دادگاهها و دلایل آراء صادره بایستی برای طرفین دعوا، رسانه ها و صاحب نظران حقوقی علنی باشند تا در نتیجه عموم مردم بتوانند آنچه را که به نام عدالت اجرا می شود دنبال کنند و مورد ارزیابی و نقد قرار دهند. (Mclachlin ۲۰۱۴, ۲) لذا این اصل موجب گردش آزاد اطلاعات می شود و بحث و انتقاد میان اعضای جامعه را تشویق می کند و بدین ترتیب پاسخگوئی اشخاصی را که قدرت اجباری بر مردم اعمال می کنند تقویت می کند. (Cameron ۲۰۰۳, ۷) لذا مبنای دیگر دادگاه علنی حمایت از دادرسی منصفانه از طریق ممانعت از سوء استفاده از اقتدار قضائی است.

اصل مزبور، دارای اثر پیشگیرانه نیز می باشد. این اصل از طریق اجازه دسترسی و انتشار اطلاعات دقیق قضائی، نقش مهمی را در آموزش مردم ایفا می کند. (Mclachlin ۲۰۱۴, ۳) به این معنی که آگاهی یافتن نسبت به این امر که چه نوعی از مجازات در قبال جرایم ارتكابی اعمال می شوند دربردارنده تاثیر پیشگیرانه ای بر روی بزهکاران بالقوه می باشد. جنبه مورد شناسایی عموم واقع شدن و خطر محکوم شدن و به زندان فرستاده شدن ممکن است حساسیتی را جهت ارتكاب جرایم لاقبل بدان گونه که کیفر گرایان فایده گرا ادعا می کنند، ایجاد نماید. علنی بودن دادگاهها می تواند این تاثیر پیشگیرانه مجازات را از طریق قادر ساختن رسانه ها و عموم به آشنایی پیدا کردن با قضاوت های صورت گرفته نسبت به پرونده ها افزایش دهد. (مالچ نیکل ۱۳۸۴، ۱۷۶) لذا این اصل هشدار می دهد برای همه کسانی که از جرایم و مجازاتهای آنها مطلع می شوند که نهایتا همه اینها سلامت و امنیت قضایی جامعه را به دنبال خواهد داشت. (شعبانی ۱۳۹۰، ۱۲۳)

از سوی دیگر، اصل علنی بودن یکی از ابزارهای عدالت درمانی محسوب می شود. بدین معنا که در مورد اشخاصی که حق آنها تضییع شده یا به آبرو و شهرت و اعتبار آنها لطمه وارد شده است، علنی بودن، سبب تسکین خاطر و احساس درمان و بهبود و ترمیم وضعیت است. بدین ترتیب که زمانی که حقانیت یا بی گناهی یک شخص و مجرمیت یا تقصیر طرف مقابل او در حضور مردم و رسانه ها اعلام می شود شخص احساس می کند که از وی رفع ظلم شده و اعتبار آسیب دیده اش ترمیم یافته است. (انصاری ۱۳۹۰، ۲۷۴)

همچنین علنی بودن دادرسی ها یکی از مصادیق سیاست جنایی مشارکتی (البته در شکل غیر مستقیم آن) است. منظور از سیاست جنایی مشارکتی، بررسی و مطالعه جایگاهی است که در سیاست جنایی یک کشور به جامعه مدنی و از طریق اعطای نقش به بزه کار، بزه دیده و به ویژه کل جامعه یا مردم داده شده است. (رستمی، ۱۳۸۶، ۱۴۱) در این راستا در کشورهایی مانند ایران که حضور هیات منصفه در محاکم آن عمومیت نداشته و محدود به رسیدگی به جرایم خاص (جرایم سیاسی و مطبوعاتی) است علنی بودن دادرسی ها می تواند تا حدود زیادی این خلا را مرتفع کند.

### ۳- نتیجه گیری

بدیهی است که مطالعه و بررسی مبانی هر اصل حقوقی موجب شناخت صحیح و واقعی آن اصل و همچنین آشکار شدن ارزشهای واقعی آن در یک نظام حقوقی می شود. منظور از طرح بحث مبانی علنی بودن دادرسی در واقع جستجوی پاسخ این سوال است که به طور اساسی چرا باید جلسه های دادرسی علنی باشد؛ یعنی بحث از چرایی علنی بودن دادرسی است.

بی تردید ارزش والا و قابل توجه اصل علنی بودن دادرسی ها به دلیل فواید و آثار متعددی است که برگزاری علنی دادرسی ها به بار خواهد آورد. آثار و فواید مهمی که هر کدام از آنها در جهت تحقق یک نظام دادگستری مطلوب و شایسته لازم و ضروری به نظر می رسد. بر این اساس و نظر به اینکه اصل علنی بودن دادرسی ها در اصول ۱۶۵ و ۱۶۸ قانون اساسی ایران مورد توجه قرار گرفته است، بایستی مبانی و آثار دادرسی علنی مورد بررسی قرار می گیرد تا با شناخت دقیق مبانی و کارکردهای مهم این اصل، اهتمام ویژه ای به این اصل مهم شده و بخشی از مشکلات نظام قضایی کشور کاهش یابد.

در این راستا، اهمیت علنی بودن دادرسی ها در تضمین حقوق دفاعی متهم و حمایت از او از یک سو که با نظارت شایسته بر دادگاهها و جلوگیری از دادرسی های سری و صدور احکام غیرعادلانه محقق می شود و تامین منافع و مصالح اجتماعی از سوی دیگر که از طریق رعایت معیارها و استانداردهای رسیدگی به دعاوی، حفظ اعتماد و اطمینان عمومی، بالا بردن شان و اعتبار رای صادره، پیشگیری از جرم با افزایش اطلاعات و آگاهی های عمومی مردم، تقویت پاسخگوئی قضائی و جلوگیری از سوء رفتار قضات ، کاهش اشتباهات قضایی و کاهش مفاسد اداری مانند رشوه خواری و اعمال نفوذ و موارد متعدد دیگر به منصف ظهور می رسد، باعث توجه بیش از پیش به این اصل می گردد.

با اینحال نمی توان صرفاً یکی از مبانی مذکور را مورد توجه قرار داده و از مبنای دیگر چشم پوشید. بنابراین بایستی منافع فردی متهم و مصالح عمومی جامعه را در کنار هم از علل موجهه اصل علنی بودن دادرسی دانست.

لذا نتیجه اینست که تضمین حق متهم و مصلحت جامعه همزمان به عنوان مبانی اصل علنی بودن دادرسی تلقی می شود. از این رو نمی توان به بهانه حمایت از منافع جامعه حقوق و منافع فردی متهم را تضییع نمود و یا در جهت تضمین حقوق دفاعی متهم مصالح عمومی را نادیده انگاشت. حقوق شهروندان در جامعه دموکراتیک قابل تامین خواهد بود و جامعه نیز وقتی در شرایط دموکراتیک قرار می گیرد که حقوق شهروند را مورد رعایت قرار دهد. در جامعه دموکراتیک حقوق جمعی و فردی در هم آمیخته می شود و به صورت یکجا مورد توجه و حمایت قرار می گیرد.

## ۴- منابع

- ۱- امید، جلیل و نیکوئی، سمیه، ۱۳۸۷، «تعریف و مبانی علنی بودن دادرسی کیفری»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۲، شماره ۳.
- ۲- انصاری، باقر، ۱۳۹۰، «مطالعه تطبیقی حق دسترسی رسانه ها به دادرسی ها و اطلاعات قضایی»، فصلنامه پژوهش حقوق، سال سیزدهم، شماره ۳۵.
- ۳- انصاری، باقر، ۱۳۹۲، «دستگاه قضائی زندان اطلاعات»، روزنامه مدرسه همشهری سه شنبه ۱۲ شهریور ماه. ۴- جانی پور، علی، ۱۳۹۳، «دادگاههای کیفری اختصاصی»، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، تهران.
- ۵- خالقی، علی، ۱۳۸۳، «علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین المللی و حقوق داخلی»، مجله پژوهشهای حقوقی، سال سوم، شماره ۵.
- ۶- دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل، (UNODC)، ۱۳۹۳، «راهنمای مرجع تقویت سلامت و توانمندی قضایی»، ترجمه دکتر حسن و کیلیان، نشر مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول، تهران.
- ۷- رحمتی فرد، سمانه، ۱۳۹۰، «اعمال به زمامداری در رسیدگی های قضائی (بررسی تطبیقی قوانین ناظر بر دادرسی در ایران و موازین بین المللی)»، مجله علمی- پژوهشی حقوق خصوصی، دوره هشتم، شماره ۱.
- ۸- رستمی، ولی، تابستان ۱۳۸۶، «مشارکت مردم در فرایند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی)»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی سال ۳۷، شماره ۲.
- ۹- رهامی محسن و حیدری علی، مراد، ۱۳۸۲، «چالش های جدید اصول حاکم بر حقوق کیفری»، مجله اندیشه های حقوقی، سال اول، شماره ۵.
- ۱۰- سید فاطمی، سیدمحمد قاری، ۱۳۹۳، «حقوق بشر در جهان معاصر»، دفتر دوم، انتشارات شهر دانش، چاپ سوم. تهران.
- ۱۱- شاملو، باقر و محمدی شهرام، ۱۳۹۰، «نقض بی طرفی و عدم استقلال قاضی، جلوه ای از اقدام مخل دادرسی عادلانه»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۶.
- ۱۲- شاهچراغ، سید حسن، ۱۳۸۹ «معیارهای تمیز اصول دادرسی از تشریفات در رسیدگی های حقوقی»، دو ماهنامه علمی، آموزشی تعالی حقوق، سال دوم شماره ۷.
- ۱۳- شعبانی، قاسم، ۱۳۹۰، «حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران»، انتشارات اطلاعات، چاپ چهل و دوم، تهران.
- ۱۴- صفار، محمدجواد، ۱۳۹۰، «آشنائی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، انتشارات استادی، چاپ سی و سوم، تهران.
- ۱۵- طه، فریده و اشرفی، لیلا، ۱۳۸۶، «دادرسی عادلانه»، نشر میزان، چاپ اول، تهران.
- ۱۶- گرجی ازندریانی، علی اکبر، ۱۳۸۸، «حقوق شهروندی، عناصر و موانع آن در ایران»، در: در تکاپوی حقوق اساسی، انتشارات جنگل، چاپ دوم، تهران.
- ۱۷- مالچ نیکل، مارک، ۱۳۸۴، «بزه دیدگان در معرض قضاوت. آیا اصل عدالت علنی در خدمت بزه دیدگان است؟»، در: جرم، بزه دیدگان و عدالت، مقالاتی در مورد اصول و رویه، ترجمه امیر سماواتی پیروز، انتشارات خلیلیان، چاپ اول، تهران.
- ۱۸- هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۸۰، «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، نشر دادگستر، چاپ پنجم، تهران.
- ۱۹- هاشمی باجگانی، سید جعفر، ۱۳۷۸، «بررسی تطبیقی اصول محاکمات مدنی در قوانین اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی ایران»، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، چاپ اول، تهران.
- ۲۰- یآوری، اسدالله، ۱۳۸۳، «حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آئین دادرسی نوین»، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره ۲.
- ۲۱- Bassiouni, M.C., ۲۰۰۳, «Introduction to International criminal Law». N.Y. Transnational publishers.
- ۲۲- Boqdandy, Armin von and Ingo venzke, ۲۰۱۲ «In Whose Name? An Investigation of International Courts public Authority and its Democratic Justification», The European Journal of International Law. Vol. ۲۳ no. ۱.
- ۲۳- Cameron, Jamie, ۲۰۰۳, «Victim privacy and the open court principle», policy center for victims Issues, Research and statistic Division March. Canada.
- ۲۴- Carey, Steve, ۱۹۸۴ « fair trial and Free press: The courtroom Door swings open », Montana Law Review, vol ۴۵.



۲۵- Croquest, Nicolas A.J., ۲۰۱۱, «The international criminal court and the Treatment of defence Rights: A mirror of the European court of Human Rights, Jurisprudence?», Oxford university press, Humman Rights law Review ۱۱:۱.

۲۶- Mclachlin, Beverley, ۲۰۱۴, «openness and the Rule of Law», Remark at the Annual International Rule of Law Lecture, London, United Kingdom, January ۸.

۲۷- Navratil, Szonja, ۲۰۰۹, «publicity in the Administration of justice and the Disclosures of court Decisions», EO TVOS KAROLY institute.

۲۸- Nevberqer, Lord, ۲۰۱۲, «open Justice unbound», in Justice wide open, center for Law, Justice and Journalism (CLJJ) city university, London.

۲۹- Trechsel, Stefan and sarah summers, ۲۰۰۶, «Human Rights in criminal proceedings», oxford university press, First edition.

۳۰- Warren, Marilyn, ۲۰۱۳, «open Justice in the Technological age», Monash University Law Review, vol ۴۰, No. ۱.

۳۱- White ۱۹۹۹, White, Robin C.A, «The English Legal system in Action, OXFORD university press, Third edition, ۱۹۹۹, New York

۳۲- Zhanq, Jixi, ۲۰۰۹, «Fair Trial Rights in ICCPR» Journal of politics and Law, vol. ۲. NO. ۴.